

## مؤلفه های کالبدی مؤثر بر خودآگاهی در محیط

حامد بی‌تی\*: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

h.beyti@tabriziau.ac.ir

مینو قره بگلو: استاد تمام دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

المیرا کریمی پور: کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

e.karimipour@tabriziau.ac.ir

### چکیده

محیط کالبدی، مجموعه ای از قابلیت ها را برای تأمین معانی ذهنی خود در جهت زندگی بهتر و رشد شخصیت افراد، به کار می‌گیرد. از عمیق ترین لایه های شناخت در این مسیر، خودآگاهی است که به انسان اجازه می‌دهد تا مسائل را از دیدگاه دیگران ببیند و به خویش، عملش و همچنین عزت نفس عمومی افتخار کند. بنابراین اهمیت موضوع خودآگاهی از یک سو و تاثیر محیط در ایجاد این مهم از سوی دیگر، موجب گردید که این پژوهش به دنبال رابطه بین کالبد محیط و خودآگاهی باشد و بر این اساس به این پرسش پاسخ دهد که «چه مؤلفه های کالبدی از محیط می‌تواند مؤثر بر خودآگاهی باشد؟». ساختار پژوهش حاضر ترکیبی از تحقیق بنیادی و کاربردی است که به واسطه تحقیق کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی، با جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای صورت گرفته است. در نهایت پژوهش اذعان دارد که محیط به سه روش شامل به واسطه شناخت قبلی، به واسطه داشتن باور و توسط مشاهده و کسب اطلاعات از آن، می‌تواند بر خودآگاهی افراد مؤثر باشد که روش اول در ارتباط با گذشته و تاریخ، بیشتر در فضاهای بینابین درون و بیرون، روش دوم در ارتباط با ابعاد معنوی انسان، هم در فضاهای مکث و هم فضاهای حرکتی و روش سوم در ارتباط با اصل تعامل است که در فضاهای جمعی، چندمنظوره و فضاهای حرکتی با قابلیت نظرگاہی، صورت می‌پذیرد. نکته قابل تامل در این بررسی ها این است که در دو روش اول خودآگاهی، ویژگی های فضایی محیط کالبدی، تنها در جهت نشانگی و نمادگرایی است که خودآگاهی درونی را به دنبال دارد؛ اما در روش سوم خودآگاهی، ویژگی های فضایی محیط کالبدی، علاوه بر این موارد، در جهت ایجاد تعامل بین افراد صورت می‌پذیرد و این امر نشان دهنده این است که این روش از سطح بالاتری از سایرین، برخوردار است که نه تنها شامل خود واقعی، آرمانی، معنوی و مادی می‌شود بلکه خود اجتماعی که خودآگاهی بیرونی را به دنبال دارد را شامل می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

واژه های کلیدی: محیط کالبدی، خودآگاهی، مؤلفه های کالبدی، خود

## مقدمه

محیط همانند فرهنگ، به طور سنتی در شناساندن هنجارهای مناسب در افراد نقش دارد (Rapaport, 1990) و عملکرد افراد در محیط نیز به میزان قابل توجهی از شرایط و عوامل کالبدی معماری آن محیط تأثیر می‌پذیرد؛ به همین سبب، در بررسی متقابل میان فرد و قرارگاه کالبدی وی، فرد محیط را دگرگون می‌کند و همزمان تجارب وی توسط محیط دگرگون می‌شود (Gifford, 1997: 10). از آنجا که محیط کالبدی، مجموعه‌ای از قابلیت‌ها را برای تأمین معانی ذهنی خود به کار می‌گیرد (افشاری، پوردیهیمی و صدق پور، ۱۳۹۴: ۱۵)؛ با بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی می‌توان سعی در فراهم ساختن معیارهایی برای مدیریت بهتر محیط به منظور زندگی بهتر و رشد شخصیت افراد کرد (باطنی خسرو شاهی، ۱۳۹۳: ۵۷) که یکی از کلیدی‌ترین مسائل زندگی در این مسیر، خودآگاهی است (امامی نائینی، ۱۳۸۸).

خودآگاهی می‌تواند انسان را فعال‌تر کند، پذیرش را تقویت کند و خود توسعه مثبت را تشویق کند (Sutton, 2016). خودآگاهی به انسان اجازه می‌دهد تا مسائل را از دیدگاه دیگران ببیند، خودکنترلی را تمرین کند، خلاق و سازنده کار کند و به خویش و کارش و همچنین عزت نفس عمومی افتخار کند (Silvia, 2004) که منجر به تصمیم‌گیری بهتر می‌شود (Ridley, Schutz, Glanz, Weinstein, 1992). خودآگاهی این پتانسیل را دارد که تقریباً هر تجربه‌ای را افزایش دهد، در هر زمان و هر مکان مورد استفاده قرار گیرد تا بتواند واقع‌بینانه خود و موقعیت را ارزیابی کند و در انتخاب‌های خوب کمک کند (Ackerman, 2021). از منظر علوم نقلی نیز طبق حدیث «من عرفه نفسه فقد عرف ربه»<sup>۱</sup>، انسان در زندگی برای شناخت پیرامون خود، در وهله اول باید احساس خودآگاهی نماید و خودشناسی، بالاترین معرفت‌ها و خردمندی معرفی شده است (رسولی محلاتی، ۱۳۷۸: ۵۱۳). از آنجا که با توجه به اهمیت موضوع خودآگاهی، همچنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است، این پژوهش به دنبال رابطه بین کالبد محیط و خودآگاهی می‌باشد تا بر این اساس بتوان به این پرسش پاسخ داد که چه مؤلفه‌های کالبدی از محیط می‌تواند مؤثر بر خودآگاهی باشد؟

## روش تحقیق

ساختار پژوهش حاضر ترکیبی از تحقیق بنیادی و کاربردی است که به واسطه تحقیق کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی، با جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در راستای دستیابی به چهارچوب نظری مقاله و ارائه مدل تحلیلی، در ابتدا به تعریف خودآگاهی پرداخته و مبانی را بر اساس مباحث صاحب‌نظران و کارشناسان با رویکرد تحلیل محتوا، استخراج کرده و با توجه به ادبیات معماری، پارامترها تخصصی شده و به معیارهای معماری تبدیل می‌گردند. شایان ذکر است که مؤلفه‌های خودآگاهی به گونه‌ای انتخاب شده است که امکان بازشناسی آن‌ها در پارامترهای کالبدی محیط، میسر باشد. لذا پژوهش از نظر نتایج و پیامد و موضوع، کاربردی است.

## پیشینه

مطالعات حاکی از بررسی دو جهت کلی، تأثیر متقابل محیط بر روی انسان و تأثیر انسان بر روی محیط کالبدی می‌باشد؛ که موضوع پژوهش، بیشتر بر اساس جهت اول انجام شده است. در این جهت نقی زاده (۱۳۹۱)، بررسی کرده است که محیط بر انتخاب روش زندگی انسان تأثیر می‌گذارد و در این راستا مثال شهر سراسر تبلیغات را آورده است، آن هم از نوع مادی و تهیج‌کننده مصرفش که شخص را به سمت مصرف‌گرایی سوق می‌دهد؛ شهری که اینبه‌اش «من» گفته و نشانه تفکر فردگرایی است، اهلش را به سمت منیت و خودنمایی و ریا می‌خواند و در مقابل، شهر متشکل از عناصر متجانس و متعادل و متوازن و با اجزای هماهنگ و با مقیاس انسانی، مردم را به سمت وحدت جمع می‌خواند. ریاحی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در تحقیقی دریافتند که محیط بر اعتقادات و باورهای انسان تأثیر می‌گذارد و عمرانی پور و مرادی (۱۳۹۰)، در تحقیقی دیگر به تأثیر محیط بر مراحل رشد شخصیت پرداختند و اینکه محیط برای هر مرحله از رشد باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؛ اما در آخر این سوال را می‌پرسند که محیطی که در آن همه این مراحل را در خود داشته باشد، چگونه است.

در خصوص مؤلفه‌های کالبدی محیط، رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)، طی تحقیقی به بررسی انسجام و وحدت، محرمیت، مدیریت تسهیلات و نظارت، عناصر طبیعی و سبز، غنای بصری و قابلیت جهت‌یابی و خوانایی پرداختند؛ و (اخوت، ۱۳۹۴)، در تحقیقی دیگر از نگاه قرآن و تشیع، آن را هندسه و تناسبات، سلسله مراتب، حریم، فضای تهی، انعطاف‌پذیری دانست. در این میان ثمین شریفی میاوقی (۱۳۹۸)، مؤلفه هندسه را دارای بیشترین اهمیت می‌داند.

در باب خودآگاهی، خادمی و بهشتی (۱۳۹۱)، خودآگاهی در فلسفه ابن‌سینا را تأکید بر اهمیت ادراکات حسی دانستند که در این راستا او از عنوان «انسان معلق» مربوط به خودآگاهی به نفس خویش نام برده است. رجبی (۱۳۹۶)، در بررسی نظریات شریعتی، دریافت که او، راه حل از خود بیگانگی را خودآگاهی دانسته

است و ثقفی (۱۳۹۲)، به نظریات هگل در مقاله عقل و خودآگاهی در فلسفه تاریخ هگل پرداخت. علمی سولا و لعل صاحبی (۱۳۹۵) در مقاله خودآگاهی به مثابه خودآگاهی در اندیشه ملاصدرا، بیان کردند که ملاصدرا، بلندترین مرتبه از معرفت نفس یا خود را در گرو معرفت به بالاترین مراتب از غیر خود که همان رب است، دانسته است و شریفی (۱۳۹۹) در مقاله مبانی هستی شناختی خودآگاهی در قرآن کریم، مبانی توحیدی را در رابطه مستقیم با خودآگاهی دانسته است. همچنین هگل (۱۹۷۱) در کتاب پدیدارشناسی روح، معتقد است مراحل آگاهی و ارتقاء شعور از حالت ابتدایی یعنی شناخت حسی تا حالت فلسفی است که به روح مطلق می‌رسد.

از مطالعه مباحث مربوطه، می‌توان به اهمیت محیط کالبدی و خاصیت متذکر بودن آن برای محیط در جهت خودآگاهی انسان، پی برد. در این میان نکته ای که کمتر پرداخته شده، شناسایی مولفه های کالبدی موثر بر خود آگاهی است که در این پژوهش بدان پرداخته می شود.

## مبانی نظری

### خودآگاهی

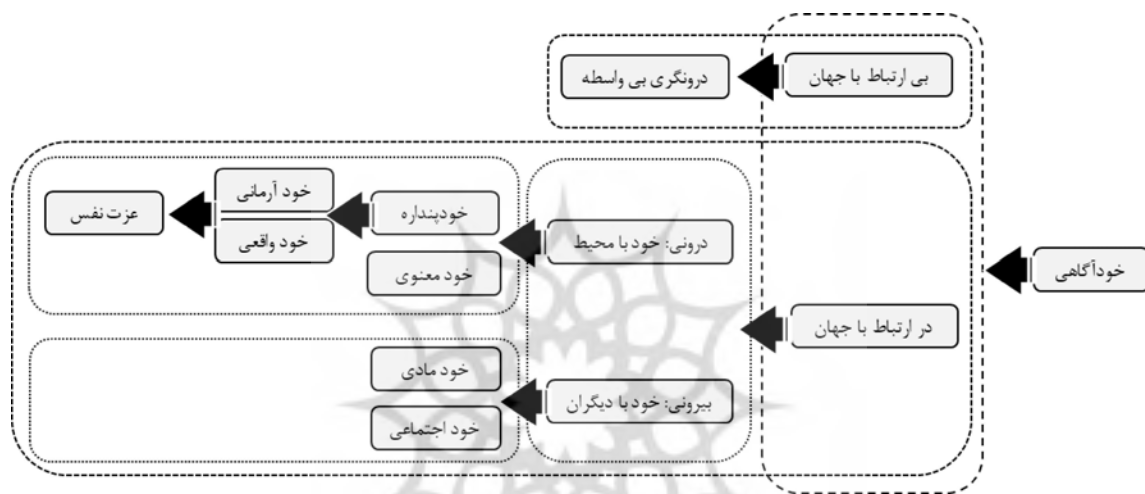
مراحل گذر آگاهی روح را از ابتدایی ترین آن (تجربه حسی) تا نهایی ترینش (روح مطلق) و اندک اندک به عمیق ترین لایه های شناخت یعنی ادراک فاهمه، خودآگاهی و عقل است که در این مرحله تقابل جهان برون ذات و درون ذات محو خواهد شد (فلاح رفیع به نقل از هگل، ۱۳۸۸:۵۴). بنا به تعریف بلاک، خودآگاهی، صاحب فهمی از «خود» بودن و توانایی به کارگیری این فهم در تفکر است (Block, 1995:213). آشنایی با خویش و پیرامون خود، منجر به احساس هویت می‌گردد اما میان خودآگاهی و هویت، تفاوت های ظریفی وجود دارد و بطور کلی، خودآگاهی مقوله ای ذهنی یا تصور شده است اما هویت معمولاً به وسیله معیارهای عینی مثل قومیت، ملیت، جنس، سن، طبقه و شغل و غیره تعریف می‌شود. البته در بسیاری موارد خودآگاهی ها بر تکیه گاه های هویت عینی استوارند. به طور کلی، خودآگاهی به مجموعه ارزش ها، نمادها و جهان بینی هایی اشاره دارد که مردم آگاهانه برای معنا بخشیدن به زندگی خود بدان ها متوسل می‌شوند و یا آن ها را تولید می‌کنند. از این رو خودآگاهی مقوله ای «طبیعی» یا «ذاتی» نیست؛ بلکه ماهیت فرهنگی و تاریخی دارد. خودآگاهی ها در طی زندگی به دست می‌آیند و احتمالاً تحول می‌یابند. خانواده، مدرسه، رسانه های جمعی، دستگاه های دولتی، ساختارهای گفتمانی یا ایدئولوژیک و سایر عوامل در تشکیل یا تغییر خودآگاهی ها تأثیر می‌گذارند. همچنین در نتیجه عملکرد عوامل گوناگون ممکن است خودآگاهی های متعدد و متنوعی در فرد پدید آید (بشیریه، ۱۳۸۱:۱۱۹).

### انواع خودآگاهی

به طور کلی در بحث خودآگاهی دو نوع ارتباط وجود دارد. خودآگاهی بی ارتباط با جهان که از طریق درونگری و به صورت صریح و بی واسطه به خود حاصل می‌شود و خودآگاهی در ارتباط با جهان که به دو صورت پیشاتاملی و تاملی وجود دارند. در خودآگاهی پیشاتاملی (مرتب اول)، آگاهی به غیر خود حاصل می‌شود که لازم و ملزوم آگاهی تاملی (مرتب دوم) یعنی آگاهی به خود است (Farrell and Nida-Rumelin, 2017:63; Gallagher and Zahavi, 2008:46). McClellans, 2017:1-2. مرلوپونتی نیز فرآیند خودآگاهی را در بازگشت سوز به خود از طریق «دیگری» می‌داند (قربانی، ۱۳۸۳:۱۰۵). هورسل هم بیناذهنیت و میان اذهانی را مطرح می‌کند که هیچ یک از این دو بر دیگری مقدم نیست، هیچ یک را نمی‌توان کانون تلقی کرد و یادآور می‌شود که من ناچارم جهان اطراف را با جهان خود به صورت عینی تلفیق نموده و میان آن ها وحدت ایجاد کنم؛ در واقع جهان من و دیگری در یک منظومه و واقعیت مکانی-زمانی قابل جمع و تلفیق است (مکاریک، ۱۳۹۰:۷۲).

امروزه خودآگاهی مرتبه اول و دوم را بصورت خودآگاهی درونی و خودآگاهی بیرونی تقسیم کردند (Eurich, 2018) و در کل آن را دارای سه منبع خود، محیط فیزیکی و محیط اجتماعی دانستند. خود، با استفاده از تصویرسازی و گفتار درونی، بازتاب می‌یابد. اشیاء و ساختارهای موجود در محیط فیزیکی، باعث ایجاد تمایز شده و حاوی محرک‌های انعکاس دهنده می‌باشند. محیط اجتماعی نیز، از طریق تعاملات چهره به چهره و با مکانیسم مقایسه اجتماعی می‌تواند منجر به بازخورد از خود گردد (Morin, 2004, 197). بنابراین مباحث خودآگاهی بیشتر مرتبط با جهان است که همانطور که گفته شد، شامل دو بخش بیرونی و درونی می‌شود (Xiong, 2020, 2). خودآگاهی درونی شامل شخصیت، احساسات و خواسته‌های «خود» و درک تناسب و تاثیر خود با محیط است؛ که تحت عنوان خودپنداره مطرح می‌شود (Baumsister, 1999). کارل راجرز (۱۹۵۹) معتقد است خود پنداره شامل دو جنبه، خود وجودی (درک خود متمایز از دیگران) و خود مقوله‌ای (درک خود دارای تجربه و ویژگی های خاص) می‌باشد (Lewis, 1990) و دارای سه جزء، خود واقعی، عزت نفس و خود آرمانی (ایده آل) است که ناهماهنگی بین خود واقعی و آرمانی موجب ناسازگاری و تاثیر روی عزت نفس می‌گردد؛ در حالی که انسان با خودآگاهی به خودشکوفایی و همخوانی بین این دو خود (واقعی و

آرمانی) قرار می‌گیرد (McLeod, 2008). همچنین خود معنوی نیز، وجود درونی یا ذهنی انسان، گرایش‌ها و تمایلات وی می‌باشد که توسط احساسات بروز می‌یابد. در واقع فرد طی یک فرایند بازتابی، دیدگاه بیرونی را رها کرده و توسط خود شناسایی می‌شود (همان: ۲۹۷-۲۹۸). افراد اغلب هنگام برخورد دیگران نسبت به عقایدشان، به گونه‌ای واکنش نشان می‌دهند که گویی شخصا مورد حمله قرار گرفتند و این دیدگاه موجب می‌شود افراد جنگ طلب و سازش ناپذیر شوند (De Dreu & van knippenberg, 2005). آگاهی از جنبه معنوی خود، به افراد کمک می‌کند تا انتظار نداشته باشند، همه افراد درباره همه چیز همان‌گونه فکر کنند که آنها فکر می‌کنند. خودآگاهی بیرونی، در نهایت نشان دهنده این است که بدانیم دیگران چگونه به ما نگاه می‌کنند (Xiong, 2020, 2). در اینجا خود، به دو دسته مادی و اجتماعی تقسیم می‌شود (James, 1890, 293). خود مادی به اشیاء، افراد و مکان‌هایی اطلاق می‌شود که حامل فرد هستند و موجب مالکیت روانشناختی و احساس خود به چیزی می‌شود (Scheibe, 1985)؛ این خود شامل خود بدنی (بدن فرد) و خود گسترده (برون بدنی مانند: لباس، خانواده نزدیک و خانه فرد) می‌باشد (Rosenberg, 1979). خود اجتماعی، شناختی است که فرد توسط دیگران به خود حاصل می‌کند و بطور کلی فرد به تعدادی که او را می‌شناسند، خود اجتماعی دارد که گاهی در تناقض با یکدیگر هستند (James, 1890, 294-296). در نمودار ۱، موارد بیان شده بصورت اجمالی عنوان می‌شود:



نمودار ۱، انواع خودآگاهی و ارتباط آن با نوع خود، منبع: نگارندگان

## تجلی خودآگاهی

به طور کلی یک شخص به چهار طریق می‌تواند از چیزی باخبر شود: (۱) به واسطه کسب اطلاعاتی درباره آن؛ (۲) به واسطه داشتن باورهایی درباره آن؛ (۳) به واسطه مشاهده آن؛ (۴) به واسطه داشتن یک شناخت از آن (Bermudez, 2007: 461). هر کدام از این چهار طریق باخبری از چیزی، مفهومی متفاوت از خودآگاهی را در پی دارد. گاه باید آنچه را که فرد به آن علم دارد، برای او باز گفت و از روشهایی که به آگاهی‌های فرد، تحرک می‌بخشد، تذکر است (شریفی، ۱۳۸۱). به سخن دیگر، تذکر، علمی را که در سر مدفون شده، در «دل» مبعوث می‌سازد (باقری، خسروی، ۱۳۸۴: ۱۴۶) که از دید علامه طباطبایی شامل: یادآوری نعمت‌های موجود، یادآوری نعمت‌های گذشته و عبرت‌آموزی از قصص تاریخی می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲: ص ۳۱۳، ج ۳: ص ۳۹۲، ج ۴: ص ۴۱، ج ۱۵: ص ۱۶۴). همچنین خداوند درباره نعمت وحدت در حیات جمعی موعظه داده است (آل عمران: ۱۰۳).

ساحت وجودی انسان به سه مرتبه اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از مرتبه جسمانی (متناسب با نیازهای مادی انسان)، مرتبه نفسانی (متناسب با نیازهای روانی انسان) و مرتبه روحانی (متناسب با نیازهای روحانی انسان) که در همه برنامه‌های مربوط به انسان و از جمله در محیط زندگی وی باید به طور متناسب و توأمان ملاک عمل و مورد توجه قرار گیرند (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۳۱). خداوند همواره به یادآوری اصول و ارزش‌های فطری انسان اشاره کرده است (الانعام/ ۷۰). نفس انسان که دارای قدرت تعقل و تفکر است و می‌توان آن را فطرت بنامیم و منظور از فطرت، مجموعه قوای انسانی است که بدان وسیله انسان خود را و محیط خود را می‌شناسد و درباره مسایل عملی، حکم عملی صادر می‌کند. بنابراین، قوه تشخیص حقایق، حواس ظاهری مانند چشم و گوش و ... و حواس باطنی مانند اراده و حب و بغض و امید و ... همه در دایره فطرت انسان می‌گنجد و عقلانیت در نزد علامه طباطبایی، «هماهنگی با فطرت» است (طباطبایی، ۱۴۱۷).

از مهمترین جلوه های آگاهی دهنده می توان به یادآوری و متذکر ساختن انسان به ساحت های حیات خویش؛ تکیه بر یادآوری نیازهای معنوی و روحانی حیات انسان؛ هدایت نیازهای قلمرو مادی و فیزیولوژیکی زندگی انسان و معرفی روند ارضای انسانی و منطقی و معقول آن ها؛ آموزش و یادآوری اصول و ارزش های فرهنگی؛ یادآوری و آموزش ویژگی های زندگی جمعی؛ تقویت احساس حضور انسان در محضر الهی و بیداری و هوشیاری انسان، اشاره کرد (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۲۹). همچنین برخلاف تصور عموم، برخی عوامل از جمله تجربه و قدرت و درون نگری همیشگی، مانع خودآگاهی می شوند. مطالعات نشان داده است که مردم همیشه از تجربه یاد نمی گیرند و از آنجا که خود را بسیار باتجربه می پندارند و دچار یک اعتماد به نفس کاذب می شوند، به دنبال مدارک تأیید ناپذیر نمی روند و در ارزیابی خود دقت کمتری می کنند. در مورد قدرت هم همینگونه است؛ هرچه قدرت فرد افزایش می یابد، تمایل فرد به گوش دادن، به دلیل اینکه فکر می کند بیشتر از دیگران می داند، کاهش می یابد. طبق تحقیقات، درون نگری زیاد نیز درگیری با الگوهای نشخوارکننده را به همراه دارد و به جای ارزیابی منطقی، بهزیستی فقیرتری تجربه می شود. بنابراین، برای افزایش بینش خود تولیدی و کاهش نشخوار فکری غیرمولد، باید به جای تمرکز بر الگوهای غیرمولد گذشته، به سمت راه حل حرکت کرد (Eurich, 2018).

هگل خودآگاهی را برابر با تاریخ ذهن (راوچ، ۱۳۸۲: ۹۱) و آگاهی و آزادی را مستلزم یکدیگر می داند (همان: ۸۳). وی مهمترین عنصر خودآگاهی را درک استقلال به معنای فدا کردن خواسته های خویش برای خواست کلی برمی شمارد (راوچ، ۱۳۸۲: ۹۱) که روحیات ملی در فرایند پیشرفت، لحظه هایی از یک روح همگانی و جهانی به شمار می روند که از طریق آن ها در جریان تاریخ در کلیت خود به حد اعلای کمال خود نایل می شوند (Hegel, 1975: 65). از آنجا که توده مردم نسبت به آنچه می خواهند، ناآگاهند یا دانش و جسارت به زبان آوردن آن را ندارند؛ بنابراین این وظیفه را قهرمانان به عهده می گیرند تا غایتی که حاصل یک مرحله از پیشرفت روح کلی است را به تحقق برسانند (استیس به نقل از هگل، ۱۳۷۱: ۳۱۴).

محیط می تواند بستری را برای هر مرحله از خودآگاهی به تفکیک، فراهم کند. در این میان هنر، توانایی انعکاس آنچه را که انسان با شناخت امیال خود حاصل می کند را دارا است (دبویی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). اما نباید دچار شبه هنرها، تجربه گرایی طبیعی به جای عقل گرایی و مدگرایی و شبیه شدن به بیگانه شد (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۳۳) و از آنجا که «از خودبیگانگی» را باید در «بیگانگی از خدا» جستجو نمود (بزرگی، ۱۳۹۵)، یادآوری پیوسته حضور خداوند، چنانکه در قرآن بدان اشاره شده است: «در حقیقت او به آنچه انجام می دهد آگاه است» (نمل: ۸۸)؛ الزامی است. کالبد معماری می تواند علاوه بر ایجاد حس تعلق و توطن در انسان، متذکر به موقتی بودن و اینکه این جهان محل گذر است، باشد؛ ویژگی های حیات معقول و انسانی را به مردم متذکر شود و ضمن تقویت هویت انسانی و بومی، انسان را از افتادن در ورطه از خودبیگانگی مصون نگه دارد (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۳۳).

برای تجلی خودآگاهی بیرونی (از دید سوم شخص)، اکثراً معتقدند که در یک ساخت مشترک و در تعامل با دیگران شکل می گیرد (Rochat & Striano, 1999). اثر موفق در برابر گفتگو و تعامل گشودگی پیدا می کند (Bourriaud, 2002: 38). اصل «تعامل» سوژه ای است که شناخت و آگاهی را پی ریزی می کند و در افق بیناذهنی است که نظرگاه ها و اندیشه ها درهم می آمیزد و جهان مشترکی شکل می گیرد. ایده ها هرگز نمی تواند به یک فرد (یک سوژه) تعلق داشته باشند (ضمیران، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۲۱). هورسل یادآور می شود که من ناچارم جهان اطراف را با جهان خود به صورت عینی تلفیق نموده و میان آن ها وحدت ایجاد کنم؛ درواقع جهان من و دیگری در یک منظومه و واقعیت مکانی-زمانی قابل جمع و تلفیق است (ضمیران، ۱۳۸۳: ۱۱۷). به عقیده مرلوپونتی نیز ما نه از زندگی غرق شده در خودآگاهی مان (یا حتی زندگی اشیاء) بلکه به عکس، از تجربه افراد دیگر آغاز می کنیم (مرلوپونتی، ۱۳۹۱: ۷۴). در اجتماع انسان ها است که جهان معنا پیدا می کند (ضمیران، ۱۳۸۳: ۱۱۷). افراد، دیدگاه های خود را در ارتباط قرار می دهند و این امکان را فراهم می سازند که نسبت به متعادل کردن یا تغییر نگاه ها انعطاف بیشتری وجود داشته باشد و افراد، با جنبه هایی از حقیقت که بیرون از قدرت فهمشان است، متعادل و هماهنگ شوند. درواقع به واسطه دو یا چند نفر، شکاف میان جهان های معنا دار ذهنی و مجزای خودشان را با تصور اینکه جهان مردم دیگر (بر اساس دریافت و فهم خودشان) چگونه است، به هم متصل می کنند (sammut et al, 2013, 2-4). تنها در این حالت است که می توان بر اساس نظریه هگل که همانا مهمترین عنصر خودآگاهی را درک استقلال، به معنای فدا کردن خواسته های خویش برای خواست کلی برمی شمارد (راوچ، ۱۳۸۲: ۹۱)، پیش رفت. همچنین نگرش تاریخی برای عبرت گرفتن از گذشته به صورت پند و اندرز نیز موثر است (مجتهدی به نقل از هگل، ۱۳۷۶: ۹۷). با توجه به ذکر جلوه هایی از خودآگاهی، مدل مفهومی، طبق جدول ۱ تدوین می گردد.

جدول ۱، مدل مفهومی از خودآگاهی، منبع: نگارندگان

خودآگاهی				
انواع خود	نوع	مولفه مؤثر	روش	
خود آرمانی	درونی	یادآوری نعمت های گذشته و موجود	به واسطه شناخت قبلی	
خود واقعی				
خود معنوی				
خود مادی				
خود آرمانی	درونی	عبرت آموزی از یادآوری تاریخ		
خود واقعی				
خود معنوی				
خود مادی				
خود مادی	درونی	الگوهای اصیل	به واسطه داشتن باور	
خود معنوی	درونی	حضور انسان در محضر الهی		
خود مادی	درونی	موقتی بودن محل زندگی در عین تعلق خاطر		
خود معنوی				
خود معنوی	درونی	نیارهای معنوی و روحانی		
خود آرمانی	درونی	ساحت های حیات انسان		
خود واقعی				
خود معنوی				
خود آرمانی	درونی	تقویت هویت بومی و اصول و ارزش های فرهنگی		
خود واقعی				
خود مادی				
خود معنوی				
خود آرمانی	بیرونی	حیات جمعی و فدا کردن خواسته های خویش برای خواست کلی	به واسطه مشاهده و کسب اطلاعات	
خود واقعی				
خود معنوی				
خود مادی				
خود اجتماعی				
خود آرمانی	درونی	روند منطقی ارضای نیازهای مادی انسان		
خود واقعی				
خود مادی				
خود آرمانی	درونی	عقل گرایی به جای تجربه گرایی		
خود واقعی				

مولفه های کالبدی متناظر با خودآگاهی

مولفه کالبدی تشکیل دهنده محیط به گفته کرمونا، بیانگر کیفیت هایی است که به کالبد محیط مربوط است (عزیزی، معینی، ۱۳۹۰) و به بیانی دیگر، شامل کلیه عناصر و ویژگی های فیزیکی سازنده فضای معماری اعم از عناصر کلان: شکل و فرم و هندسه، عناصر میانی: تزئین و آرایه، نور و رنگ، مصالح و سازه، علامت و نشانه و نماد، راه (مسیر) و عناصر خرد: بازشو، درگاه و دروازه، سقف و بام، دیواره، راه پله، آستانه و ... می باشد (مهدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۰). عوامل کالبدی در قالب سه دسته ویژگی های فضایی (که می توانند منشأ فرمی یا عملکردی داشته باشند)، فضاهای عملکردی (به واسطه فرم معماری) و متعاقباً قابلیت های محیطی جای می گیرد که دو مورد اول بر شکل گیری مورد سوم مؤثر واقع شده است تا علاوه بر آسایش جسمی، آرامش روانی نیز حاصل آید (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳).

بنابر نظر صاحب‌نظران که به تفصیل به آن‌ها اشاره می‌شود؛ مولفه‌های کالبدی خودآگاهی در مفاهیمی همچون دعوت‌گری، هدایت‌گری، تقدس‌پذیری، پذیرندگی، تغییر و تطبیق‌پذیری، خاطره‌پذیری و خاطره‌سازی، تسلط‌پذیری و امکان‌شخصی‌سازی، اصالت‌پذیری، کاوش‌پذیری، تفسیر و فلسفه‌پذیری، هویت‌پذیری و گذر‌پذیری، با امکان‌بازشناسی آن‌ها در پارامترهای کالبدی، بحث می‌شوند.

اگر قرار باشد فضایی بر مبنای تذکرات و آگاهی انسان بنا گردد، باید دعوت‌گر باشد (ورمقانی، ۱۴۰۰: ۱۲۵) و در کالبد خود از نظم جزئی تا کلی، به کمال برسد و حاضرین را دعوت به هوشیاری کند. باید از تشویش‌های دنیای بیرون، به آرامش و خلوت دنیای درون فراخوانده شد و مرحله به مرحله روح و جسم را آماده پذیرش کند (آصفی، شجاری، سلخی خسرقی، ۱۳۹۶). هشتی و دالان و دهلیز، ایوان‌های وسیع در جلوی ساختمان، نور، تزئینات پوسته بیرونی نما (وجود پنجره‌های مشبک و ارسی)، درصدد ایجاد ارتباط با مخاطب و دعوت به ورود بنا باشد (فرح لقا، ۱۳۹۵). همچنین برای فضای ورودی، نمایانی (حاصل از تشخیص در عین سادگی و خوانایی و تأکید بر خط آسمان)، مرکزیت (قرارگیری در نقاط کانونی)، تبدیل‌پذیری معنوی (از طریق محصوریت فضایی و مفصل‌گذاری) و انتظام فضایی (اتصال و انفصال ریزفضاها و ایجاد فضاهای مکث در امتداد فضایی) در نظر گرفته شود (ورمقانی، ۱۴۰۰: ۱۳۸).

راهنمایی انسان به ارزش‌های معنوی، نقش هدایت‌گری را ایفا می‌کند که هدف اصلی، انعطاف ذهن از مسائل مادی به سمت ابعاد معنوی و روحانی می‌باشد (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۳۵۸). ایمنی (Zakaria, Ujang, 2014)، نورپردازی مناسب (معینی فر، شجاعی، ۱۳۹۴: ۵۵) همچون هدایت کاربران از فضای تاریک به روشنایی (اردلان، بختیار، ۱۳۹۰: ۱۰۳)، مؤثر بر ایجاد حس دعوت‌گری می‌باشد. تداوم در درون خود ماهیت کشش و حرکت را نیز داراست (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴). عوامل تداوم فضایی در معماری ایرانی شامل شفافیت سطوح (ارسی، شباک، فخرممدین، جام‌خانه و هورانه)، محور (انطباق محور فضاها، نیم طبقه، وید، مسیر آب، مناره، گنبد)، تکرار و ضرباهنگ (رواق، طاق، ساباط، رف و طاقچه) و فضای بینابین (ایوان، صفا، گوشواره، هشتی، جلوخان و حیاطچه) می‌باشند (همان: ۵۷). استفاده از پلکان و رمپ‌های بزرگ و پل‌های روباز، خطوط عمودی بر آمده دیواره‌های بنا، کاهش حجم دیوارهای خارجی برای ارتباط بیشتر با فضای خارجی در فضاهایی با چشم‌انداز مطلوب، همچنین ساختار عناصر عمودی سیال دیوارهای داخلی و خارجی و کاربرد راهروهایی با نقطه مکث مشخص در انتهای آن برای ایجاد حس تداوم فضایی و هدایت کاربر در طول مسیر کشف فضا (برای نمونه، قراردادن مجسمه در انتهای محور اصلی بنا)، از جمله عوامل مؤثر بر هدایت‌گری می‌باشد (سوهانگیر، نصیرسلامی، ۱۳۹۳: ۶۹-۷۰). فضاهایی که دارای طاقگان و راهرو و حیاط مرکزی هستند، افراد را به حرکت در خود هدایت می‌کنند زیرا در آنجا امکان دیدن مناظر اطراف برای عابران وجود دارد (تیبالدز، ۱۳۸۷: ۷۶).

در تقدس‌پذیری یک فضا، نورپردازی و سایه‌روشن، وسعت و گشودگی، نشانگی و نمادگونی، انتظام عملکردی، بافت و رنگ خاص، هم‌پوندی درون و بیرون، مصالح و عناصر طبیعی (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲) مؤثر می‌باشد؛ همچنین مولفه‌های کالبدی مؤثر بر حس معنوی شامل میزان پیوستگی در سازماندهی فضایی، وحدت و انتظام فضایی، تمرکزگرایی، نحوه ایجاد لبه و مرز بین فضاها، تضاد و تنوع، تعادل و توازن فرمی، خوانایی در سیرکولاسیون، نوع منظرسازی در حیاط، میزان انعطاف‌پذیری فضایی، هندسه غالب در فضا و در خط آسمان، میزان مصالح شفاف در فضا، بداعت فرمی، نسبت ارتفاع بنا به محیط می‌باشند (وثیق، ۱۳۹۹: ۲۳۵).

از آنجا که تعامل، اصل مهمی در خودآگاهی است؛ از دیدگاه لارس لر آپ (۱۹۷۲)، تداوم، خوانایی و ساختار منسجم، لازمه ایجاد فضایی است که پذیرندگی برای اقبال مختلف دارد. وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی (Montero Avila, 2001)، طبیعت و وجود عناصر طبیعی در فضا (دانشگرمقدم و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹)، افزایش قابلیت فضایی برای انجام فعالیت‌های مشترک (محمدی، آیت‌اللهی، ۱۳۹۴: ۹۴) و فضای سرزنده (Whyte, 1980: 3)، مبلمان مناسب (جهت مکث و نشستن و گفتگو، متحرک، استفاده از رواق و زرده جهت نرم کردن فضا)، امنیت و تعریف ورودی‌ها (مراقبت طبیعی و امکان حضور ۲۴ ساعته در فضا)، تعریف بدنه‌ها و هویت جداره‌ها (پرهیز از جداره‌های خالی، ایجاد سایه‌روشن، نماسازی زیبا و جذاب) و بهره‌گیری از تمامی حواس (برانگیختن حس کنجکاوی) (قمبردزفولی، نقی زاده، ۱۳۹۳: ۲۲) موجب افزایش دعوت‌کنندگی و ارتقای حیات جمعی می‌گردد. منطقه تعاملی می‌تواند فضایی میانجی و مفصل‌گونه در وضعیت نیمه بسته با بیشترین همبستگی بین درون و بیرون باشد و می‌تواند محل انتظار، مکث و آماده شدن برای حضور و خارج شدن از درون به بیرون به صورت هشتی، دالان، دهلیز و دیگر فضاهای توقف باشد (محبوبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۷). در عین حال تراکم زیاد در مجتمع‌های مسکونی نیز موجب کاهش تعاملات اجتماعی می‌گردد (هاشم پور، سامی، ۱۳۹۸: ۶۵).

برای قابلیت تغییر و تطبیق‌پذیری به تفصیل برای انعطاف‌پذیری با تنوع (بصری و فعالیت)، سیالیت و فضای سبز، برای تطبیق‌پذیری با تعدد دسترسی، خوانایی، پیکربندی مجدد (درشت دانه به ریزدانه)، باز جهت دهی (استقرار فعالیت‌های مکمل)، جذابیت و ایجاد رغبت و جلوه فضا با ایجاد گشودگی و برای تغییر

پذیری با پویایی (فضایی و بپچیدگی)، انسجام فعالیتی، اتصال و ارتباطات فضایی، امکان بازسازماندهی فرم و فعالیت، حفاظت و مراقبت و امنیت کالبدی (از طریق خوانایی و نظارت)، بیان گردیده است (عبدالهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۳-۱۱۴).

برای خاطره پذیری و خاطره سازی محیط، اینگونه گفته شده که فضای خاطره ساز در واقع جایی است که مردم از تجربه دوباره آنجا که همواره به نظر می رسد روابط و تاثیرات فضایی تازه ای دارد، لذت ببرند (هدمن، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۲). خاطره پذیری بصری می تواند از طریق کاربرد نماهای آشنا در جزئیات نما، کاربرد نشانه ها و بهره از عناصر کالبدی در شکل دهی به منظر پرکشش بصری ایجاد گردد (ورمقانی، ۱۴۰۰: ۱۳۸) و در کل نشانه گی و نمادگرایی فرمی، خوانایی و وضوح فرمی، خلوت و قلمرو، تنوع عملکردی، هم جواری فضای از جمله ویژگی ها می باشد که می تواند در فضاهای نظرگاهی، جمعی، غیر رسمی، نیمه باز میانی، انفرادی و شخصی و دیگر فضاها با دسترسی مناسب تعبیه گردد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲).

در خصوص قابلیت تسلط پذیری و امکان شخصی سازی، انعطاف پذیری و طراحی مشارکتی، خلوت و قلمرو، عرصه بندی مناسب و سلسله مراتب، ایستایی و تعادل، نظارت پذیری و انتظام عملکردی را می توان در نظر گرفت (همان).

برای اصالت پذیری محیط، اصالت در معماری، رعایت اصول در پاسخ به سایت و منطقه و زمانه خود (Taylor, Matt, 2004) و همچنین نمونه خلاق اولیه و ناب است (یوکیلهتو، ۱۳۸۴: ۵۴). لذا به معنای کیفیت یک شیء در تطابق با آن چیزی است که برای شیء مزبور ادعا شده است (Klein Dic, 1971). مثلا در مورد ورودی با اصالت منظور تناسب ورودی با معنایی که قرار است به ذهن متبادر کند، می باشد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

در تفسیر و فلسفه پذیری، خلق فضاهای حامل معنا از طریق فلسفه می باشد که معمارانی چون «تادائو آندو» و «سدریک پرایس» در این راستا کار کردند (فریاما، ۱۳۸۸: ۱۵). استفاده از مفاهیم فلسفی و خلوص عناصر محیطی و فرم هایی که ریشه در عقاید و سنت خاصی داشته باشد، کاربرد سمبل و نماد و نشانه و هر آنچه که جهانی را با فلسفه خاصی بیان کند (Nitschke, 1993: 62-83) که در محیط می تواند توسط انسجام و پیوستگی فرمی، تضاد، تناقض و ساختارشکنی، انتظام و اغتشاش فرمی، نشانه و نمادگرایی، خلوت و قلمرو، انعطاف پذیری، طراحی مشارکتی صورت می پذیرد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲).

در کاوش پذیری، جهت کشف فضا نیز باید از تجربه های متفاوت و در عین حال معنوی بهره برد مانند ورود به عمق استخر معبد آب تادائو آندو توسط پله و استفاده از عناصر چهارگانه طبیعت در خلق فضا (آب، خاک، آتش و باد) (سوهانگیر، نصیرسلامی، ۱۳۹۲: ۶۸). همچنین تداوم فضایی و هدایت کاربر در طول مسیر جهت کشف فضا و عدم دورنمای مشخص از محورها؛ تا بدین گونه مخاطب از درک کلی فضا باز مانده و منتظر حوادث بعدی در طول مسیر باشد (همان: ۶۹-۷۰). بنابراین از طریق تعامل محوری فضایی، مصالح و عناصر طبیعی، رمزگویی فرمی و عملکردی، نورپردازی و سایه روشن، تضاد، تناقض و ساختارشکنی، نفوذپذیری و تسلسل حرکتی امکان پذیر می باشد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲).

در خصوص هویت پذیری، هویت را می توان به حدی که یک چیز را از چیز دیگر تمیز می دهد، قلمداد کرد. لینچ برای هویت ۵ مولفه در نظر گرفته است که عبارتند از: سرزندگی، معنی، تناسب، نظارت و اختیار و دسترسی (لینچ، ۱۳۷۳). همچنین می توان به قدیمی بودن محله و فرهنگ اهالی انتخابی، وجود بناهای مذهبی در سطح محله که در بسیاری از مراسم، جمعیت زیادی را به خود جذب می نماید (صفایی پور، زارعی، ۱۳۹۶: ۱۴۴)؛ تطابق معماری با زمینه و معماری بومی، حفظ عناصر هویت مند، عناصر طبیعی مانند پوشش گیاهی یا رود یا درخت کهنسال، تقویت نشانه ها و کانون ها (پاتوق ها) اشاره کرد (کریمی یزدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۰). همچنین به مشخص کردن حریم ها و قلمروها، پرهیز از یکنواختی و همگونی در عرصه های مسکونی، تمایز فرمال و بصری بین بلوک های مسکونی، توجه به عناصر شاخص مانند ورودی ها، داشتن تمایز محدوده واحدها در نمای کلی، توجه به مقیاس انسانی، استقبال از مشارکت مردم در ساخت و بهره گیری از الگوهای گذشته اشاره نمود (محمودی، منصورپور، ۱۳۹۶: ۱۵). داشتن شخصیت ویژه (Steel, 1981) و پیوستگی تاریخی (Stefanovic, 1998) از دیگر عوامل تعیین کننده می باشد.

در خصوص گذر پذیری، برای ایجاد حس موقتی بودن و گذرا بودن این جهان، نیازمند انتظام فضایی با وجود فضای میانجی می باشد که مفصل ایجاد شده باید در آرامش، سکون، محصوریت، مواجهه با نشانه ها، سادگی با حداقل محرک های حسی و حداکثر تذکرات معنوی باشد و این اتصال فضایی از الگوی پایه ای ارتباط، گذر و انجام پیروی می کند (اردلان، بختیار، ۱۳۹۰: ۴۷).



## یافته ها

در این بخش با توجه به مطالعات و بررسی های انجام شده در خصوص خودآگاهی، مولفه های کالبدی مرتبط، در قالب جدول ۲ تدوین می گردد:

جدول ۲. مولفه های کالبدی متناظر با خودآگاهی، منبع: نگارندگان

مولفه کالبدی		خودآگاهی		
فضاهای عملکردی	ویژگی های فضایی	قابلیت محیطی	مؤلفه	روش
ورودی، پیشخان، هشتی، دالان، دهلیز، ایوان های وسیع جلوی ساختمان، پنجره های مشبک و ارسی	طراحی جزء به کل، سلسله مراتب، نورپردازی مناسب، تزئینات پوسته بیرونی نما، تشخیص ورودی با تأکید بر خط آسمان، مرکزیت ورودی، محصوریت فضا با مفصل گذاری، انتظام فضایی، ایجاد فضاهای مکث	دعوتگری	یادآوری نعمت های گذشته و موجود	به واسطه شناخت قبلی
			عبرت آموزی از یادآوری تاریخ	
_____	_____	هویت پذیری	الگوهای اصیل	
فرم، پلان، نما، تزئینات	خلاقیت در کاربرد الگوهای اصیل، تناسب، نشانه گی و نمادگرایی، مصالح و عناصر طبیعی، هندسه غالب در فضا و در خط آسمان	اصالت پذیری	حضور انسان در محضر الهی	به واسطه داشتن باور
فضاهای عبادی، فضاهای مکث، فضاهای نیمه باز میانی	ایجاد سایه روشن با نورپردازی، وسعت و گشودگی، نشانگی و نمادگونگی، بافت و رنگ خاص، هم پیوندی درون و بیرون، مصالح و عناصر طبیعی، وحدت و انتظام فضایی، تمرکزگرایی، نحوه ایجاد لبه و مرز بین فضاها، تضاد و تنوع، تعادل و توازن فرمی، خوانایی در سیرکولاسیون، نوع منظرسازی در حیاط، هندسه غالب در فضا و در خط آسمان، میزان مصالح شفاف در فضا، بداعت فرمی، نسبت ارتفاع بنا به محیط	تقدس پذیری	نیارهای معنوی و روحانی	ساحت های حیات انسان
پله و رمپ های بزرگ و پل های روباز، راهرو و حیاط مرکزی، ارسی، شباک، فخر و مدین، جام خانه، هورانه، نیم طبقه، وید، مسیر آب، مناره، گنبد، رواق، طاق، ساباط، رف، طاقچه، ایوان، صفه، گوشواره، هشتی، جلوخان و حیاطچه	ایمنی، هدایت مسیر از تاریکی به روشنائی، تداوم فضایی (شفافیت سطوح، انطباق محورها، تکرار و ضرباهنگ و فضای بینابین و مکث در راهروها)، کاربرد خطوط عمودی برآمده از دیوار، کاهش حجم دیوارهای خارجی با چشم انداز مطلوب، عناصر عمودی با ساختار سیال، قراردادن عنصری در انتهای هر محور جهت کشش در هدایت کنندگی	هدایتگری	موقتی بودن محل زندگی	در عین تعلق خاطر
مفصل، پیاده رو، راهرو، دالان، دهلیز	اتصال فضایی، آرامش و سکون، محصوریت، مواجهه با نشانه ها، سادگی با حداقل محرک های حسی	گذرپذیری	تقویت هویت بومی و اصول و ارزش های فرهنگی	
ورودی ها، کانون ها (پاتوق ها)، عناصر طبیعی مانند پوشش گیاهی یا رود یا درخت کهنسال	سرزندگی، معنی، تناسب، تعریف دسترسی ها، قدیمی بودن محله انتخابی، وجود بناهای مذهبی، حفظ عناصر هویت مند، بوم گرایی، نشانه گی و نمادگرایی، مشخص کردن حریم ها و قلمروها، تمایز فرمال و بصری بین بلوک های مسکونی، تمایز محدوده واحدها در نمای کلی، مقیاس انسانی، بهره گیری از الگوهای گذشته، داشتن شخصیت ویژه، پیوستگی تاریخی	هویت پذیری	حیات جمعی و فدا کردن خواسته های خویش برای خواست کلی	به واسطه مشاهده و کسب اطلاعات
فضاهای جمعی، فضاهای چندمنظوره، فضاهای سبز، محل انتظار، مکث، هشتی، دالان، دهلیز و دیگر فضاهای توقف باشد	تداوم، خوانایی و ساختار منسجم، وجود تسهیلات مناسب در فضا، راحتی و آسایش محیطی، طبیعت و وجود عناصر طبیعی در فضا، فضای سرزنده، فضایی میانجی و مفصل گونه در وضعیت نیمه بسته، مبلمان متحرک و مناسب جهت بحث و گفتگو، فضاهای مکث و نشست، استفاده از رواق و نرده جهت نرم کردن فضا، تعریف ورودی ها، امنیت،	پذیرندگی		

	تعریف بدنه ها و هویت جداره ها (پرهیز از جداره های خالی، ایجاد سایه روشن، نماسازی زیبا و جذاب)، خوانایی (مقیاس انسانی، محصوریت مناسب، نمادین)، بهره گیری از تمامی حواس (برانگیختن حس کنجکاوی) و عدم تراکم زیاد		
تغییر و تطبیق پذیری	تنوع (بصری و فعالیت)، سیالیت، فضای سبز، تعدد دسترسی، خوانایی، امکان پیکربندی مجدد (درشت دانه به ریزدانه)، ایجاد گشودگی، پویایی (فضایی و پیچیدگی)، اتصال و ارتباطات فضایی، امکان بازسازماندهی فرم، امنیت کالبدی (از طریق خوانایی و نظارت)		
خاطره پذیری و خاطره سازی	کاربرد نماهای آشنا در جزئیات نما، نشانه گی و نمادگرایی فرمی، خوانایی و وضوح فرمی، خلوت و قلمرو، تنوع عملکردی، هم جواری فضایی		
روند منطقی ارضای نیازهای مادی انسان	انعطاف پذیری، خلوت و قلمرو، عرصه بندی مناسب و سلسله مراتب، ایستایی و تعادل، نظارت پذیری و انتظام عملکردی	تسلط پذیری	
عقل گرایی به جای تجربه گرایی	استفاده از عناصر چهارگانه طبیعت در خلق فضا (آب، خاک، آتش و باد)، تداوم فضایی، عدم دورنمای مشخص از محورها و تعامل محوری فضایی، مصالح و عناصر طبیعی، رمزگونی فرمی و عملکردی، نورپردازی و ایجاد سایه روشن، تضاد، تناقض و ساختار شکنی، نفوذپذیری و تسلسل حرکتی	کاوش پذیری	
	استفاده از مفاهیم فلسفی، خلوص عناصر محیطی، کاربرد سمبل، نشانه گی و نمادگرایی فلسفی، انسجام و پیوستگی فرمی، تضاد، تناقض و ساختار شکنی، انتظام و اغتشاش فرمی، خلوت و قلمرو، انعطاف پذیری	تفسیر و فلسفه پذیری	

### تحلیل یافته ها

در بخش تحلیل یافته ها موارد زیر مشخص می گردد:

- ۱) خودآگاهی توسط ۳ روش عبارت از شناخت قبلی، داشتن باور و مشاهده، حاصل می شود.
- ۲) خودآگاهی به روش شناخت قبلی، تذکری در خصوص تاریخ است و قابلیت های محیطی دعوتگری، هویت پذیری و اصالت پذیری را شامل می شود. در حالی که در روش داشتن باور، تذکر به ابعاد معنوی و روحانی انسان مطرح شده و در کنار قابلیت محیطی هویت پذیری، تقدس پذیری، هدایتگری و گذرپذیری را نیز در بر می گیرد. اما خودآگاهی به روش مشاهده، تذکر به تعقل و نفع جمعی است که قابلیت های محیطی نظیر پذیرندگی، تطبیق پذیری، خاطره سازی، تسلط پذیری، کاوش پذیری و تفسیر پذیری را شامل می شود. بنابراین این قابلیت ها، این روش از خودآگاهی را ملزم به اصل تعامل می کند.
- ۳) خودآگاهی به روش های شناخت قبلی و داشتن باور، دارای خود واقعی، آرمانی، معنوی و مادی می باشد که از نوع خودآگاهی درونی هستند؛ این در حالی است که تنها در روش مشاهده، خود اجتماعی وجود دارد و خودآگاهی بیرونی شکل می گیرد.
- ۴) مولفه های کالبدی محیط در خودآگاهی به روش شناخت قبلی، بیشتر در فضاهای بینابینی (بین درون و بیرون) شکل می گیرد. اما خودآگاهی به روش داشتن باور، بیشتر در فضاهای مکتب یا حرکتی بوده که هر دو روش توسط ویژگی های فضایی در جهت نشانگی و نمادگرایی، صورت می پذیرد. خودآگاهی به روش مشاهده، توسط فضاهای جمعی، چندمنظوره و فضاهای حرکتی با قابلیت نظرگاهی توسط ویژگی های فضایی در جهت تعامل پذیری فضا در کنار نشانگی و نمادگرایی فلسفی، شکل می گیرد.

### نتیجه گیری

پژوهش با هدف بررسی رابطه بین کالبد محیط و خودآگاهی، اذعان دارد که محیط به سه روش شامل: به واسطه شناخت قبلی، به واسطه داشتن باور و توسط مشاهده و کسب اطلاعات از آن، می تواند بر خودآگاهی افراد موثر باشد که روش اول در ارتباط با گذشته و تاریخ، روش دوم در ارتباط با ابعاد معنوی انسان و روش

سوم در ارتباط با اصل تعامل است. همین امر سبب می‌گردد که روش سوم یعنی روش مشاهده، در سطح بالاتری از دیگر سطوح قرارگیرد که افراد را وادار به شناخت دیگران در کنار شناخت خود می‌کند تا او را قادر سازد که توسط تعقل و نه صرفاً با تکیه بر تجربه، در جهت خواست کلی جامعه، قدم بردارد. بر همین اساس، روش اول خودآگاهی (به واسطه شناخت قبلی)، بیشتر در فضاهای بینابین درون و بیرون، روش دوم خودآگاهی (به واسطه داشتن باور)، هم در فضاهای مکت و هم فضاهای حرکتی و روش سوم خودآگاهی (توسط مشاهده و کسب اطلاعات از آن)، در فضاهای جمعی، چندمنظوره و فضاهای حرکتی با قابلیت نظرگاهی، صورت می‌پذیرد. نکته قابل تامل در این بررسی‌ها این است که در دو روش اول خودآگاهی، ویژگی‌های فضایی محیط کالبدی، تنها در جهت نشانگی و نمادگرایی است اما در روش سوم خودآگاهی، ویژگی‌های فضایی محیط کالبدی، در جهت ایجاد تعامل بین افراد صورت می‌پذیرد و این امر نشان دهنده این است که این روش از سطح بالاتری از سایرین، برخوردار است که نه تنها شامل خود واقعی، آرمانی، معنوی و مادی می‌شود بلکه خود اجتماعی که خودآگاهی بیرونی را به دنبال دارد را شامل می‌گردد.

## منابع

- ۱- آصفی، مازیار، مرتضی شجاری، سلخی خسرقی، صفایا. ۱۳۹۶. حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد پر مینای آرای ملاصدرا (نمونه موردی: مسجد کبود تبریز). کیمیای هنر، (۶) ۲۲: ۷۵-۸۸.
- ۲- اردلان، نادر، بختیار، لاله. ۱۳۹۰. حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه و نداد جلیلی. تهران: علم معمار.
- ۳- استیس، والتر. ۱۳۷۱. فلسفه هگل، (حمید عنایت، مترجم)، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم
- ۴- افشاری، محسن؛ پوردیهیمی، شهرام؛ صالح صدق پور، بهرام. ۱۳۹۴. سازگاری محیط با روش زندگی انسان (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی. مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۲، زمستان ۳-۱۶
- ۵- امامی نائینی، نسرين. ۱۳۹۷. خودآگاهی، تهران: هنر آبی.
- ۶- باقری، خسرو، خسروی، زهره. ۱۳۸۴. نگاهی دوباره به مفهوم اسلامی تعلیم و تربیت. اندیشه دینی، دوره ۷، شماره ۱۶، پاییز
- ۷- باطنی خسروشاهی، سیده الناز. ۱۳۹۳. طراحی سرای مطلوب سالمندان در شهر تبریز با رویکرد معیارهای روانشناسی محیط، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات واحد تهران (آذربایجان شرقی)
- ۸- بشیریه، حسین. ۱۳۸۱. تحول خودآگاهی‌ها و هویت‌های سیاسی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱، بهار.
- ۹- بیزرگی، سید عابدین. ۱۳۹۵. حقیقت و چیستی «از خودبیگانگی» از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، آیین حکمت، سال ۸، شماره ۲۷، بهار، صص ۳۳-۶۰
- ۱۰- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۸. راهنمای طراحی فضاهای شهری. چاپ چهارم. تهران: انتشارات شهید.
- ۱۱- تیبالدز، فرانسس. ۱۳۸۷. شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد. اصفهان: خاک.
- ۱۲- دانشگر مقدم، گلرخ، اسلامپور، مرمر. ۱۳۹۱. تحلیل نظریه قابلیت محیط از دیدگاه گیبسون و بازخورد آن در مطالعات انسان و محیط انسان ساخت. نشریه آرمان شهر، شماره ۹، پاییز و زمستان، صص ۷۳-۸۶.
- ۱۳- دیوبی، جان. ۱۳۹۱. هنر به منزله تجربه. ترجمه ی مسعود علیا. تهران: ققنوس.
- ۱۴- راوچ، لیو. ۱۳۸۲. فلسفه هگل، ترجمه عبدلعلی دستغیب. آبادان: نشر پرستش.
- ۱۵- رسولی محلاتی، سیدهاشم. ۱۳۷۸. شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۶- رضایی، حسین، کرامتی، غزال، دهباشی شریف، مزین، نصیرسلامی، محمدرضا. ۱۳۹۷. تبیین الگوواره ای فرایند روان شناختی حصول معنای محیطی و تحقق حس مکان با تمرکز بر نقش واسط ادراک. باغ نظر، ۱۵، ۶۵، ۴۹-۶۶.
- ۱۷- سوهانگیر، سارا، نصیرسلامی، محمدرضا. ۱۳۹۳. الگوهای خلق فضا در معماری با تکیه بر پارادایم‌های نظری پسامدرن. باغ نظر، سال ۱۱، شماره ۲۸، بهار، صص ۶۵-۷۸.
- ۱۸- شریفی، عنایت‌الله. ۱۳۸۱. اصول و روش‌های تبلیغی در قرآن (۳) اصل تذکر، مکتب اسلام، شماره ۳.
- ۱۹- صفایی پور، مسعود، زارعی، جواد. ۱۳۹۶. برنامه ریزی محله محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تاکید بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: محله جولان شهر همدان). آمایش جغرافیایی فضا، سال ۷، شماره ۲۳، بهار، صص ۱۳۵-۱۴۹.
- ۲۰- ضمیران، محمد. ۱۳۸۳. مقوله بین‌الادهان و دیالوگ. فرهنگ اندیشه، شماره ۱۲، صص ۱۱۳-۱۲۶.
- ۲۱- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷. الق میزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین.
- ۲۲- عبدالمهدی، راحله، اسلام کرمی، احد نژاد ابراهیمی، لیلا رحیمی. ۱۴۰۰. مولفه‌های موثر بر تاب‌آوری بازارهای تاریخی با تاکید بر قابلیت‌های بعد کالبدی-عملکردی فضا. مطالعه موردی: مجموعه امیر در بازار تاریخی تبریز. پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۳۰، سال ۹، بهار، صص ۱۰۱-۱۴۴.
- ۲۳- عزیزی، محمدمهدی؛ معینی، مرجانه. ۱۳۹۰. تحلیل رابطه بین کیفیت محیطی و تراکم ساختمانی، هنرهای زیبا. شماره ۴۵، ۵-۱۶

- ۲۴- فرح لقا، رویا. ۱۳۹۵. عوامل موثر بر حس دعوت کنندگی بر ورودی خانه های قاجار شهر آمل، دومین همایش بین المللی معماری، عمران و شهرسازی.
- ۲۵- فریما، ماسانو. ۱۳۸۸. تادانو آندو : تحلیل آثار، اندیشه ها و دیدگاهها. ترجمه حمید محمدی و محمد علی اشرف گنجویی. اصفهان : نشر خاک.
- ۲۶- فلاح رفیع، علی. ۱۳۸۸. فرایند تجلی روح و خودآگاهی دینی از دیدگاه هگل. دانشگاه قم، سال ۱۰، شماره ۴، صص ۵۳-۸۱.
- ۲۷- قربانی، محمدرضا. ۱۳۸۳. «پرسش از بینا ذهنیت از چشم انداز مرلوبونتی»، فرهنگ اندیشه، شماره ۱۲، صص ۸۳-۱۱۲.
- ۲۸- قمبر دزفولی، مریم، نقی زاده، محمد. ۱۳۹۳. طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی، هویت شهر، شماره ۱۷، سال ۸، بهار، صص ۱۵-۲۴. مکاریک، ایرنا. ۱۳۹۰. دانشنامه ی نظریه های ادبی معاصر. (مهران مهاجر و محمد نبوی، مترجم)، تهران: آگه
- ۲۹- کریمی یزدی، اعظم، براتی، ناصر، زارعی، مجید. ۱۳۹۸. جستاری در هنجارهای کیفیت ادراک مکان در تجربه بازآفرینی فضای شهری (مطالعه موردی: مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش تهران). مطالعات شهری، شماره ۲۳، پاییز، صص ۸۹-۱۰۴.
- ۳۰- کیانی، مصطفی، بهجو، اشکان، راستان طهرانی، نوشین. ۱۳۹۴. تداوم فضایی در معماری معاصر ایران (بررسی میزان تاثیرپذیری معماری معاصر ایران از معماری غرب و معماری ایرانی). نقش جهان، سال ۵، شماره ۳، پاییز، صص ۵۲-۶۷.
- ۳۱- لیتنج، کوین. ۱۳۷۳. سیمای شهر. مترجم: دکتر منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۲- مرلوبونتی، موریس. ۱۳۹۱. جهان ادراک. ترجمه ی فرزاد جابرالنصار. تهران: ققنوس
- ۳۳- مجتهدی، کریم. ۱۳۷۶. درباره هگل و فلسفه او. تهران: امیرکبیر.
- ۳۴- معینی فر، مریم، شجاعی، الهه. ۱۳۹۴. بهسازی منظر ورودی با هدف ارتقاء حس دعوت کنندگی (محدوده مطالعه: جلوخان مسجدالنبی تا ورودی بازار قزوین). پژوهش های منظر شهر، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان، صص ۴۹-۶۰.
- ۳۵- محبوبی، قربان، مصطفی مختابادامری، مصطفی عطار عباسی. ۱۳۹۵. بازساخت هستمندی همزیستی درون و بیرون معماری مساجد ایران (با تاکید بر روش فازی). کیمیای هنر (۵): ۲۱-۷۵.
- ۳۶- محمدی، محمد، آیت اللهی، محمدحسین. ۱۳۹۴. عوامل موثر در ارتقای اجتماع پذیری بناهای فرهنگی (بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان). نامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۵، پاییز و زمستان، صص ۷۹-۹۶.
- ۳۷- محمودی، امیرسعید؛ منصورپور، مجید. ۱۳۹۶. بررسی جایگاه عوامل کلیدی در تعاملات اجتماعی محلات مسکونی، هویت شهر، شماره ۳۱، سال ۱۱، پاییز، صص ۵-۱۶
- ۳۸- مهدی نژاد، جمال الدین، علی صادقی حبیب آباد، حمید مسلم. ۱۳۹۶. معیارهای طراحی فضاهای آموزشی با تاکید بر قابلیت های محیطی موثر بر ذهن و رفتار دانش آموزان. آموزش پژوهی، شماره ۱۲، زمستان، صص ۷۸-۱۰۰.
- ۳۹- نقی زاده، محمد. ۱۳۹۱. حس حضور، مطلوب ترین برآیند ارتباطات انسان با محیط. نشریه مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان. ۲۷-۴۶
- ۴۰- نورمقانی، حسنا. ۱۴۰۰. رویکردی تحلیلی بر خصلت دعوتگری مساجد معاصر (بررسی موردی: مساجد تهران). معماری اسلامی، سال ۹، شماره ۳۰، بهار، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- ۴۱- وثیق، بهزاد. ۱۳۹۹. تبیین کاربست حس معنوی مکان جایگزین مفهوم حس مکان. فرهنگ رضوی، شماره ۸، سال ۲، صص ۲۲۳-۲۴۵.
- ۴۲- هاشم پور، پرینا، سامی، زیبا. ۱۳۹۸. کیفیت محیطی موثر در حیات پذیری مجتمع های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی امام، چمران و آسمان شهر تبریز). مطالعات شهری، شماره ۳۰، بهار، صص ۵۵-۶۷
- ۴۳- هدمن، ریچارد. ۱۳۸۵. مبانی طراحی شهری، ترجمه راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- ۴۴- یوکیلهتو، جاکا. ۱۳۸۴. تاریخ حفاظت معماری، مترجم: خشایاربهاری و محمدحسن طالبیان. تهران: نشر روزنه.

45-Ackerman, Courtney E, 2021, What Is Self-Awareness and Why Is It Important? [+5 Ways to Increase It],

<https://positivepsychology.com/>

46-Baumeister, R. F. (Ed.) .1999. The self in social psychology. Philadelphia, PA: Psychology Press (Taylor & Francis).

47-Bermudez, J.L. 2007. Self Consciousness. In Velmans, M & Schneider, S (Eds). The Blackwell Companion to Consciousness. Blackwell Publishing Ltd.

48-Block, Ned . 1995. On a Confusion about a Function of Consciousness, pp:208-214, In: Philosophy of Mind: Classical and Contemporary Readings, ed. David J. Chalmers, pp116 –125. New York: OXFORD. UNIVERSITY PRESS, 1995

49-Bourriaud, Nicolas. 2002. Relational Aesthetics. Les presses du reel ,English trans, Djon

50-De Dreu, C. K. W., & van Knippenberg, D. 2005. The possessive self as a barrier to conflict resolution: Effects of mere ownership, process accountability, and self-concept clarity on competitive cognitions and behavior. Journal of Personality and Social Psychology, 89(3). 345–357. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.89.3.345>

51-Eurich, Tasha. . 2018. What Self-Awareness Really Is (and How to Cultivate It). Harvard Business Review. January 04, 2018. <https://hbr.org/2018/01/what-self-awareness-really-is-and-how-to-cultivate-it>. (accessed July 4, 2020).

- 52-Farrell Jonathan and McClelland Tom. 2017. Consciousness and Inner Awareness. Review of Philosophy and Psychology; Vol.8.1-22
- 53-Gallager Shaun and Zahavi Dan. 2008. Consciousness and Self-consciousness. in The Phenomenological Mind. New York: Routledge.45-68
- 54-Gifford, R. 1997. Environmental Psychology: Principles and Practice, London, Boston, Allyn .02 and Bacon
- 55-Hegel. 1975. Lectures on the philosophy of world history, by H.B. nibest. Cambridge university press.
- 56-James, W. 1890. The principles of psychology (Vol. 1). New York: Holt.
- 57-Klein, D. 1971. Comprehensive Etymological Dictionary of the English Language.
- 58-Lewis, M. 1990. Self-knowledge and social development in early life. In L. A. Pervin (Ed.), Handbook of personality: Theory and research (pp. 277–300). The Guilford Press
- 59-McLeod, S. A. 2008. Self concept. Simply Psychology. [www.simplypsychology.org/self-concept.html](http://www.simplypsychology.org/self-concept.html)
- Morin, Alain. 2004. A Neurocognitive and Socioecological Model of Self-Awareness. Genetic, Social, and General Psychology Monographs, 130(3), 197–222
- 60-Montero Avila, Monica. 2001. Factors that influence the social life and vitality of public open spaces in maracaibo- venezuela. case study: plaza de la madre and plaza de la Republica Etd. Faculty of the virginia polytechnic institute and state university.
- 61-Nida-Rumelin, Martine. 2017. Self-Awareness, Review of Philosophy and Psychology; Springer, Vol. 8.55–82
- Nitschke, G. 1993. From Shinto to Ando: studies in Architectural Anthropology in Japan. London: Academy Press.
- 62-Rapaport, A. 1990. The Meaning of the Built Environment: A Non-Verbal Communication Approach, Beverly Hills, CA: Sage
- 63-Ridley, D. S., Schutz, P. A., Glanz, R. S., & Weinstein, C. E. 1992. Self-regulated learning: The interactive influence of metacognitive awareness and goal-setting. The Journal of Experimental Education, 60, 293–306.
- 64-Rochat, P., & Striano, T. 1999. Social cognitive development in the first year. In P. Rochat (Ed.), Early social cognition (pp. 3–34). Mahaw, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- 65-Rosenberg, M. 1979. Components of Rosenberg's self-esteem scale. Conceiving the self. New York: Basic Books.
- 66-Sammut, G, Daanen, P & Moghaddam, F.M. (Eds.). 2013. Understanding the Self and others: Explorations in intersubjectivity and interobjectivity. London: Routledge.
- 67-Scheibe, K. E. 1985. Historical perspectives on the presented self. In B. R. Schlenker (Ed.), The self and social life. New York: McGraw-Hill.33-64
- 68-Sutton, A., Williams, H. M., & Allinson, C. W. 2015. A longitudinal, mixed-method evaluation of self-awareness training in the workplace. European Journal of Training and Development, 39, 610–627.
- 69-Silvia, P. J., & O'Brien, M. E. 2004. Self-awareness and constructive functioning: Revisiting "the Human Dilemma." Journal of Social and Clinical Psychology, 23, 475–489.
- 70-Stefanovic, I. (2004). Speaking of Place: In Dialogue with Maplas. Environmental & Architectural Phenomenology, No.2, pp31-44.
- 71-steele, Fritz. (1981). The sense of place. Boston CBI. Publishing company.
- 72-Taylor, Matt. 2004. Authentic Architecture.
- 73-Xiong, Shuaiqi . 2020. Self-awareness: A dynamic poster design about self-awareness child development. Rochester Institute of Technology Rochester, NY, July 4.1-25.
- Whyte, W.H. 1980. The social life of small urban spaces. Tuxedo, Maryland: Printers || Inc.
- 74-Zakaria, Juriah and Norsidah Ujang. 2014. Comfort of Walking in the City Center of Kuala Lumpur, Procedia - Social and Behavioral Sciences. 170:642-652.